



سرشناسه: قرائتی، محسن، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: گناه؛ از توجیه تا مهار
نویسنده سیدمصطفی علم‌خواه؛ برای آستان قدس رضوی،
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

شابک: 978-600-299-012-9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: چاپ قبلی: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی،

۱۳. (۹ص.)

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: گناه

موضوع: گناه (اسلام)

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره: BP/۳۲۵ ۱۳۹۱/۴۸۴

رده بندی دیویی: ۴۶۴/۳۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۸۳۱۵۵



۲ → گناه: از توجیه تا مهار

نویسنده: محسن قرائتی

آستان قدس رضوی

چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام‌رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

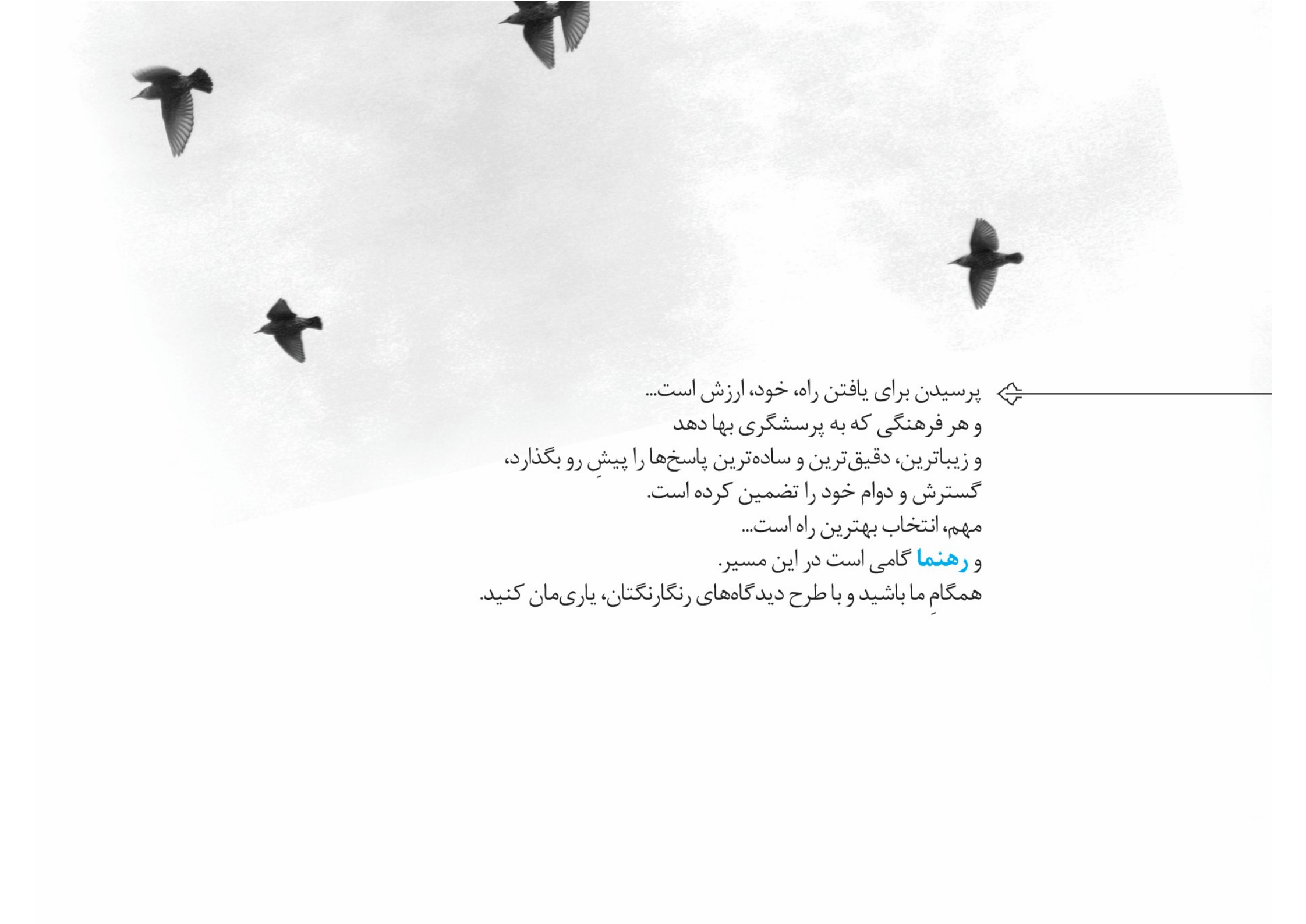
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمد مهدی باقری

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





گناه؛ از توجیه تا مهار

پاسخ به این دست پرسش‌ها انگیزه انتخاب این متن بوده است:

۱. «توجیه گناه» چیست و چرا در جامعه شیوع یافته است؟
۲. چند توجیه اعتقادی و سیاسی برای سرپوش گذاشتن بر گناه بیان کنید.
۳. بهانه‌های اجتماعی و فرهنگی برای توجیه کردن گناه از چه قرار است؟
۴. چه راه‌هایی در لگام‌زدن به گناه، مؤثر است؟





اشاره

گاه در جامعه می‌بینیم که برخی برای فرار از کیفر ظاهری گناه، دست به حیل‌هایی می‌زنند که در اصطلاح به «توجیه گناه» معروف است. ازسوی دیگر، پرسشی مطرح است که آیا راهی برای پیشگیری از گناه وجود دارد یا اینکه انسان مجبور به ارتکاب گناه است؟ بر این اساس، این نوشته^۱ تلاش می‌کند در پاسخ به این پرسش، چکیده‌ای را دربارهٔ دو موضوع توجیه‌تراشی گناه و راه‌های کنترل گناه، به خوانندهٔ عزیز ارائه دهد.

۱. این نوشته برگرفته از دو فصل کتاب گناه‌شناسی استاد قرائتی با اندکی تغییر و ویرایش است.



۱. کم‌انگاری گناه

هر کاری که برخلاف فرمان خداوند باشد، گناه محسوب می‌شود. هرچقدر گناه کوچک باشد، اما از این نظر که نافرمانی خداست، بزرگ به حساب می‌آید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمودند: لَا تَنْظُرْ إِلَى صِغَرِ الْخَطِيئَةِ وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَهُ؛ (کوچکی گناه را ننگر، بلکه بنگر چه کسی را نافرمانی می‌کنی).^۱

در قرآن، هفده واژه درباره گناه آمده است: ذنب: ۳۵ مرتبه، معصیت: ۳۳ مرتبه، اِثم: ۴۸ مرتبه، سیئة: ۱۶۵ مرتبه، جرم: ۶۱ مرتبه، حرام: ۷۵ مرتبه، خطیئة: ۲۲ مرتبه، فسق: ۵۳ مرتبه، فساد: ۵۰ مرتبه، فجور: ۶ مرتبه، منکر: ۱۶ مرتبه، فاحشة: ۲۴ مرتبه، خُبث: ۱۶ مرتبه، شر: ۱۵ مرتبه، لَمَم: ۱ مرتبه، وزر: ۲۶ مرتبه، ثِقَل: ۱۳ مرتبه و حنث: ۲ مرتبه.

۱. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۵۳.

همچنین خداوند در قرآن، هجده گروه را به سبب انجام دادن گناهان مختلف لعن کرده است: کافران، مشرکان، یهودیان لجوج، مرتدان، قانون شکنان حيله گر، پيمان شکنان، کتمان کنندگان حق، سردمداران کفر به سبب فسادشان در زمین، منافقان چندچهره، آزاردهندگان رسول خدا ﷺ، ظالمان، قاتلان، ابلیس، تهمت زنندگان به بانوان پاک دامن، مخالفان رهبران راستین، شایعه سازان دروغ پرداز، ناپاک دلان و دروغ گویان.

۲. پوشش بر گناه

دلیل تراشی برای گناه، عملی بدتر از خود گناه است. توجیه گناه نوعی فریب دادن و اغفال خود و مردم است که ظاهری زیبنده و شرعی دارد. این کار گناه را عادی جلوه می دهد و جامعه را به گناه کردن تشویق می کند. گنهکار معترف، اغلب در فکر توبه است؛ ولی توجیه گر در فکر سرپوش نهادن بر گناه است و راه اصلاح را می بندد؛ برای مثال، چنین فردی

ترس خود را با احتیاط، ضعف نفس را با حیا، حرص خود را با انگیزه لزوم تأمین زندگی و نیز تن‌پروری و کوتاهی‌ها را به‌عنوان قضاو قدر توجیه می‌کند. او حق را کتمان می‌کند و نام آن را تقیه می‌گذارد و به شخصی رشوه می‌دهد و آن را هدیه می‌نامد.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بازار مدینه عبور می‌کردند. شخصی را دیدند که میوه یا خرما می‌فروشد. به او فرمودند: «به‌به، چه میوه‌های خوبی!» در همین لحظه خداوند به آن حضرت وحی کرد: میوه‌های زیرین را ببین. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زیر میوه‌ها دست فروبردند و مقداری از آن را بیرون آوردند که بسیار پست بود؛ سپس، به صاحب آن کالا فرمودند: مَا أَرَاكَ إِلَّا وَقَدْ جَمَعْتَ خِيَانَةً وَ غَشًّا لِلْمُسْلِمِينَ؛ (نمی‌بینم تو را جز اینکه خیانت و فریب مسلمانان را جمع کرده‌ای).^۱

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۰۹.

عده‌ای برای نیکو جلوه دادن گناه توجیه‌های گوناگونی می‌کنند که با توجه به این موضوع، توجیه گناهان به چند دسته تقسیم می‌شود:

۲.۱. انواع توجیه اعتقادی

۱. قضا و قدر: گاهی به گنهکار که می‌گویند چرا گناه کردی، در پاسخ می‌گویند: شانس من این بود، قضا و قدر من چنین بود، مقدر نبود فرد نماز خوانی باشم. خداوند در این باره می‌فرماید: مشرکان برای تبرئه خود چنین می‌گویند: لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ؛ (اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرک می‌شدیم و نه پدران ما مشرک می‌شدند) و نه چیزی را تحریم می‌کردیم.^۱



توجیه یزیدبن معاویه سرشار از بی‌شرمی است: پس از اینکه یزید در واقعه عاشورا بزرگ‌ترین جنایت تاریخ را انجام داد، در مجلس اُسرا در مقابل سر امام حسین علیه السلام گفت: خدا چنین خواست که ما عزیز شویم و دشمن ما ذلیل شود.

۲. جبر، توجیهی برای گناه: قبل از هر چیز، به این مثال توجه کنید: همه می‌دانند که فرقی بین لوله‌کشی داخل ساختمان و بیرون آن هست. استفاده از لوله‌کشی خیابان و کوچه‌ها در دست ما نیست؛ ولی این شیر داخل منزل در اختیار ماست. می‌توانیم آن را باز یا نیمه‌باز کنیم یا ببندیم. این نشانه اختیار در کارهای فردی است. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در اختیار ما نیست؛ ولی نان درآوردن و خوردن در اختیار ماست.

مولوی در این باره سروده است:

می‌فشاند آن میوه را دزدانه سخت
از خدا شرمیت، گو چه می‌کنی

آن یکی بر رفت بالای درخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی



گفت از باغ خدا بنده خدا
می خورد خرما که حق کردش عطا
پس ببستش سخت آن دم بر درخت می زدش بر پشت و ساقش چوب سخت
گفت آخر از خدا شرمی بدار
گفت از چوب خدا این بنده اش
چوب حق و پشت و پهلوی آن او
گفت توبه کردم از جبر ای عیار
او درباره وجدانی بودن اختیار و اراده نیز چنین گفته است:
اینکه فردا این کنم یا آن کنم
این دلیل اختیار است ای صنم
دلایلی برای آزادی اراده انسان وجود دارد که توجه به آن کمک بیشتری به فهم این

مطلب می‌کند. این دلایل عبارت‌اند از:

۱. تردید: شک دربارهٔ انجام‌دادن یا انجام‌ندادن کاری، دلیل بر آزادی ارادهٔ انسان است؛
 ۲. پشیمانی: پشیمانی بعد از انجام‌دادن برخی کارها، دلیل آزادی اختیار انسان است. اگر آزادی اختیار نبود، انسان هرگز پشیمان نمی‌شد؛
 ۳. تأدیب: ادب کردن دلیل آن است که انسان تربیت‌پذیر است و وجود این استعداد، خود، دلیل بر آزادی اراده است؛
 ۴. انتقاد: دلیل دیگر بر آزادی اراده، انتقاد کردن از کارهای یکدیگر است. هیچ‌گاه کسی از درخت گردو انتقاد نمی‌کند؛ زیرا درخت آزادی ندارد؛
- بنابراین، درست نیست انسان برای فرار از مسئولیت، گناه را بر گردن جبر بیندازد.

۲.۲. چند توجیه سیاسی

۱. مأمورم و معذور: در زمان شاه، یکی از مأموران می گفت: اگر ما مردم را تحت فشار قرار ندهیم، حقوقی که دریافت می کنیم، از نظر شرعی اشکال دارد!
۲. نفاق: اشعث بن قیس از سران کینه توز منافقان بود. او برای اینکه به فکر خام خود، بتواند در دستگاه حکومت امیرمؤمنان، علی علیه السلام نفوذ کند، نیمه شبی، ظرفی سرپوشیده را پُر از حلوائی خوش طعم و لذیذ کرد و به در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام آورد و به نام هدیه، به ایشان داد. این ظرف غذا درحقیقت رشوه بود؛ اما او تحت پوشش هدیه، مرتکب گناه رشوه شد. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: وقتی اشعث آن حلوا را آورد، من از آن حلوا، به قدری متنفر شدم که گویی آن را با آب دهان مار خمیر کرده بودند. به او گفتم: «آیا هدیه است یا زکات یا صدقه؟ زکات و صدقه بر ما حرام است.» او گفت: «نه زکات است و نه صدقه؛ بلکه هدیه است.» به او گفتم: «آیا از طریق دین خدا (با توجیه گری) وارد شده ای که مرا فریب دهی؟

یا دیوانه شده‌ای و هذیان می‌گویی؟ وَ اللَّهُ، لو أُعْطِيتُ الْأَقَالِمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ؛ (به خدا سوگند، اگر اقلیم‌های هفت‌گانه را و آنچه در زیر آسمان‌هاست، به من دهند تا خداوند را بر گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم، هرگز چنین نخواهم کرد.)^۱

۳.۲. توجیه‌های اجتماعی

هراس از رسوایی، توجیهی برای گناه: گاهی از کسی که گناه کرده است، می‌پرسند دلیل این گناه چیست؟ او در پاسخ می‌گوید: خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو و برای مثال، ما هم چنین گناهی کردیم! در زمان اوج اقتدار فرعون، جامعه‌ای که او به‌وجود آورده

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴.



بود، سراسر فساد و خفقان بود. بیشتر مردم با توجیه «خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو» از فرعون اطاعت می کردند؛ ولی حضرت آسیه علیها السلام، همسر فرعون، مرعوب جو و محیط فاسد جامعه نشد و با اراده‌ای قوی، ایمان خود را حفظ کرد.

۴.۲. چهار توجیه روانی

۱. یأس و ناامیدی: گاهی گناهکار برای توجیه گناه خود می گوید: ما که دیگر در گناه غرق شده‌ایم و «آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه صد وجب».
۲. عادت به گناه: گاه شخص گناه می کند و می گوید: من دیگر نمی توانم ترک کنم.
۳. خجالت: وقتی از فرد می پرسند چرا فلان شخص را نهی از منکر نمی کنی، در پاسخ می گوید: خجالت می کشم.
۴. عقده‌ای شدن: به برخی می گویند بچه‌ات را تربیت کن. می گوید: می ترسم عقده‌ای شود.



۵.۲. انواع توجیه فرهنگی

۱. بی‌سوادی: از گناهکار می‌پرسند چرا گناه کردی؟ پاسخ می‌دهد: بی‌سوادم و نمی‌دانستم. باید گفت که این توجیه بی‌اساس است؛ زیرا از یک‌سو، خداوند به انسان عقل داده که گناه را از غیرگناه تشخیص دهد و از سوی دیگر، پیامبران و امامان علیهم‌السلام راه چاره را به او نشان داده‌اند.

۲. کج‌فهمی: گاهی به خانمی می‌گویند حجابت را حفظ کن یا به مردی می‌گویند چشم‌چرانی نکن؛ اما در پاسخ می‌گوید: باید قلب انسان پاک باشد! به برخی می‌گویند در مجالس عروسی، زن و مرد با هم در یک جا نباشید؛ در جواب می‌گویند: ما با هم خواهر و برادریم!

در تاریخ نقل کرده‌اند که معاویه درباره قتل عمار یاسر گفت: «علی او را کشته نه من؛ زیرا علی او را به میدان فرستاده است.» امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پاسخ فرمودند: «اگر این سخن معاویه درست باشد، باید بگوییم پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم حمزه را کشتند؛ زیرا ایشان حمزه را به میدان



جنگ فرستادند.»^۱

۶.۲. توجیه اقتصادی

در جامعه، برخی افراد با توجیه فشار مخارج زندگی، سقط جنین می‌کنند؛ با توجیه خرید و فروش، ربا می‌خورند؛ به نام هدیه، رشوه می‌دهند یا می‌گیرند و با عنوان دروغ مصلحت‌آمیز، دروغ حرام می‌گویند.

۷.۲. توجیهات نظامی

۱. بهانه‌جویی: در کارهای سخت و دشوار، مانند جهاد، آنان که ایمان قوی ندارند، برای اینکه از این وظیفه مقدس شانه خالی کنند، گاهی پیری پدر و مادر را بهانه قرار می‌دهند

۱. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۳ تا ۳۵.

و گاهی زن و بچه را و زمانی گرمی یا سردی هوا را.

۲. علاقه به زن: در جریان جنگ تبوک، یکی از منافقان به پیامبر ﷺ عرض کرد: اجازه بدهید من در جنگ شرکت نکنم؛ زیرا علاقه شدیدی به زنان دارم. اگر چشمم به دختری رومی بیفتد، ممکن است دل از دست بدهم و فریفته او شوم و مرا از وظیفه شرعی جهاد باز دارد! در ردّ این توجیه خنده‌آور او، آیه‌ای نازل شد: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ اُذْنُ لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ (بعضی از آن‌ها (منافقان) می‌گویند: مرا (در ماندن) اجازه بده و به فتنه (فریفتگی به دختران رومی) مینداز. این‌ها اکنون به فتنه و گناه سقوط کرده‌اند و جهنم کافران را احاطه کرده است).^۱

۱. توبه، ۴۹.

۳. مهار کردن گناه

همان گونه که ترمز در اتومبیل لازم است تا آن را از سقوط کنترل کند، غرایز و خواسته‌های انسان نیز نیاز به کنترل کردن دارد. خطوط کلی کنترل انسان برای دورماندن از گناهان، در برنامه زیر خلاصه می‌شود:

۱.۳. تفکر در مسائل گوناگون

نقش تفکر در زندگی انسان این گونه است: تفکر درباره عاقبت گناه، عامل توبه کردن است؛ تفکر درباره فانی بودن دنیا، عامل داشتن زهد است؛ تفکر در نعمت‌ها، عامل حبّ به خداست؛ تفکر در حوادث عبرت‌آموز، عامل تواضع است؛ تفکر در مرگ، عامل کنترل هوس‌های نفسانی است و تفکر در عواقب کار، عامل مصونیت از گناه است.

از خصوصیات فکر و تفکر این است: اول، عبادت است؛ دوم، بی‌ریاست، زیرا پیدا نیست

تا ریابردار باشد؛ سوم، بی‌وسیله است: هر عبادتی، مانند نماز و حج، نیاز به وسیله دارد، ولی فکر نیاز به وسیله ندارد. مولا علی علیه السلام می‌فرمایند: **الفِکرُ مِرآةٌ صَافِیَةٌ**؛ (فکر آینه‌ای صاف است).^۱ همچنین فرموده‌اند: **ما زَلَّ مَنْ أَحْسَنَ الْفِکَرِ**؛ (کسی که نیکو بیندیشد، دستخوش لغزش نمی‌شود).^۲

۲.۳. توجه به حضور خدا

نیروهای انتظامی و امنیتی، هر قدر قوی و گسترده باشند، قادر به پیشگیری از گناهان مخفی نیستند؛ به عکس، ایمان درونی نقش خلل‌ناپذیری در بازداري انسان از گناهان آشکار و پنهان ایفا می‌کند. قرآن می‌فرماید: **﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي﴾** (آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۵.

۲. محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمة، ج ۷، ص ۵۳۸.

اعمالش را می‌بیند؟^۱ در سوره دیگر آمده است: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾^۲ (قطعاً پروردگار تو در کمینگاه است) و نیز: ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾^۳ (چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند، می‌داند و بر آنچه در سینه‌ها پنهان است، آگاهی دارد). این آیات به‌روشنی بیان می‌کنند که همه ما در محضر خدای بزرگ هستیم. شاعری در این باره، چنین سروده است:

در مقامی که کنی قصد گناه	گر کند کودکی از دور نگاه
شرم داری ز گنه درگذری	پرده عصمت خود را نداری
شرم بادت که خداوند جهان	که بود خالق اسرار نهان
بر تو باشد نظرش بی‌گه و گاه	تو کنی در نظرش قصد گناه

۱. علق، ۱۴.

۲. فجر، ۱۴.

۳. مؤمن، ۱۹.



امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ، فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ؛ (از معصیت خدا در پنهانی و خلوتگاه بپرهیزید؛ چراکه شاهد امروز همان قاضی فردا است.)^۱ بر این اساس، یاد خدا از عوامل مهم بازدارنده گناه است.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «سه چیز از مهم‌ترین کارهایی است که خداوند بر خلق فرض کرده است: انصاف و فداکاری برای برادر ایمانی و یاد خدا در هر حال.»^۲ سپس فرمودند: «یاد خدا آن است که هنگام نزدیک شدن به گناه، انسان به یاد خدا بیفتد و همین کار، او را از گناه باز دارد. همین است سخن خداوند که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ (پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان می‌شوند، به یاد خدا می‌افتند و بینا می‌شوند).^۳

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۹؛ محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۳، ص ۴۲۵.

۳. اعراف، ۲۰۱.

۳.۳. خودشناسی و توجه به شخصیت انسانی

اگر بچه در خانه ظرفی را بشکند، والدین با او تندی می‌کنند که چرا ظرف را شکستی؛ ولی اگر همین بچه در کنار مهمان‌ها، ظرف قیمتی را بشکند، با کمال خونسردی می‌گویند: مهم نیست جانت سلامت! علت چیست؟ علت این است که به شخصیت خود نزد مهمان توجه کردند و همین باعث شد که خود را کنترل کنند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند: إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا؛ (بدانید که جان شما هیچ بهایی جز بهشت ندارد؛ پس آن را به کمتر از بهشت نفروشید).^۱

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۴.۳. ایمان به معاد

خداوند در قرآن حدود ۱۴۰۰ بار از موضوع معاد و خصوصیات آن سخن به میان آورده است. بیش از یک‌ششم آیات قرآن، انسان‌ها را به معاد و یادآوری روز رستاخیز دعوت می‌کند. ایمان به معاد، یعنی داشتن ایمان قلبی به دریافت کیفر و پاداش اعمالی که انسان در دنیا انجام داده است: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ﴾ (روز قیامت روزی است که هر کس آنچه از کار نیک یا بد انجام داده، حاضر می‌بیند).^۱

۵.۳. به تصویر کشیدن اعمال

عرضه اعمال بر پیشوایان دینی، از معتقدات اسلامی است؛ یعنی اعمال انسان‌ها هر روز یا

۱. آل عمران، ۳۰؛ نظیر این مطلب در آیه ۴۹ سوره کهف نیز آمده است.



هر هفته، یک بار به عرض پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام می‌رسد. در قرآن نیز آمده است: ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (بگو عمل کنید که خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد).^۱ در بعضی از روایات نیز آمده است: «اعمال نیک و بد انسان هر روز صبح بر پیامبر ﷺ عرضه می‌شود» و در بعضی روایات گفته‌اند هر عصر پنج‌شنبه عرضه می‌شود.

۶.۳. یاد مرگ

رسول اکرم ﷺ چنین امر فرموده‌اند: أَكْثَرُ مَا ذَكَرَ الْمَوْتَ فَإِنَّهُ يُمَحِّصُ الذُّنُوبَ؛ (بسیار به یاد مرگ



باشید؛ زیرا یاد مرگ گناهان را می‌زداید.^۱

۷.۳. خدا ترسی و ترس از عواقب گناه

درباره ترس از پروردگار، امیرمؤمنان علی علیه السلام توصیه کرده‌اند که: لَا تَخَفُ إِلَّا ذَنْبَكَ؛ (از هیچ چیز مترس، مگر از گناه خود).^۲ امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: «کسی که بداند خدا او را می‌بیند و گفتار او را می‌شنود و به کار نیک و بد او آگاه است، همین دانستن، او را از کارهای زشت باز می‌دارد و چنین فردی، کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و نفس خود را از هوس گناه، بازداشته است.»^۳

۱. نهج الفصاحه، حدیث ۴۴۴.

۲. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۸۲.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۰.



۸.۳. انجام دادن عبادات

خداوند دربارهٔ نقش بازدارندگی نماز از گناهان در قرآن فرموده است: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾^۱ در آخر نیز سخن را با فرمایش گهربار پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به پایان می‌رسانیم. ایشان خاطرنشان می‌کنند: مَثَلُ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ النَّهْرِ الْجَارِي كُلَّمَا صَلَّى كَفَرْتَ مَا بَيْنَهُمَا؛ (نماز همانند آب جاری است؛ هر زمان که انسان نماز می‌خواند، گناهایی که در میان دو نماز انجام شده، از میان می‌رود).^۲

۱. عنکبوت، ۴۵.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۷.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.